الباب الثانی و العشر من الواحد السادس فی ان الطلاق…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الثانی و العشر من الواحد السادس** فی ان الطلاق لا یجوز الا و ان یصبر المرء مع المرئة سنة واحدة لعل یصلح بینهما و ان لم یصلح حل علیهما و کلما اراد ان یرجع حل له الی تسعة عشر مرة و لا یشترط فیه الصبر بعد الرجع الا شهرا.

ملخص این باب آنکه بعد از آنکه خداوند بین دو نفس بکلمۀ لله وصل فرمود شئون دون شجرۀ محبت سزاوار نیست که ظاهر شود زیرا که افتراق شئون شجرۀ محبت نبوده و نیست تا نفس مضطر نگردد بر او حلال نمیگردد و بعد از اضطرار و اظهار آن بآن حق است بر آنکه یک حول که نوزده شهر بیان باشد صبر نماید اگر شئون محبت ظاهر گشت که مرتفع شده و الا آنوقت جایز است بکلمۀ که دلالت بر آن کند

و بعد از آن تا عدد واحد حلال است بر آن رجع و از حین افتراق تا حین رجع حق است بر آن صبر نوزده روز تا آنکه خالص گردد از شئونات ابواب نار و بعد از آنکه عدد نوزده ختم شده حل است بر آن اقتران و همین قسم تا عدد واحد نرسیده اذن است از برای آن و اگر رسید دیگر جایز نیست زیرا که داخل حکم اثنینیت میگردد و در جنت حکم اثنینیت نبوده ونیست زیرا که کل ازنفس واحد خلق شده وهمینقدر که رتبه واحد کامل شد باید بدء واحد دیگر شود نه اثنین که اگر الی ما لا نهایه واحد شود همان واحد است ولی اگر یکی مزید شد برعدد واحد عشرین میگردد و بر نفس واحد اثنین این است سر حکمت آن اگر کسی خواهد تعقل نماید

و ثمره این باب آنکه ناظر شوی بمبدأ حکم که اگر در یوم ظهور مبدأ حکم باشی بهمین حکم او از او محتجب نگردی مثل آنکه امروز می بینی که در ظل هر حکمی از احکام قرآن الی ما لا نهایه نفوس ببرکت او حاکمند ولی یوم ظهور کل در نزد قول او لا شیئ میگردند اگر راجع نگردند بقول او و الا آنچه امکان فیض دارد اخذ خواهند نمود و چقدر امر صعب است نزد کسی که از مبدأ محتجب گردد و چقدر سهل است بر کسی که بمبدأ راجع گردد

طوبی للمتقین من حسن یوم عظیم.

